

مقدمه

ماندگاری نظام‌های سیاسی تا حد زیادی مرهون سلامت نظام اداری به‌عنوان بازوی اجرایی آن می‌باشد. کارآیی نظام‌های سیاسی در عرصه اجرا، به میزان کارآمد بودن نظام اداری بستگی دارد. ازاین‌رو، با شناخت آسیب‌های نظام اداری، می‌توان علاوه بر کارآمد نمودن نظام اداری، به بقا و ماندگاری آن نیز کمک کرد. از سوی دیگر، فساد، از عوامل اصلی بازماندن نهادها و جوامع از دست‌یابی به اهداف، و از موانع اساسی رشد و تکامل آنها به شمار می‌رود. به همین دلیل، همواره کسانی که در پی سلامت نظام اجتماعی بشر، رشد و تکامل آن بوده‌اند، به دنبال پیش‌گیری و مبارزه با این پدیده شوم اجتماعی بوده‌اند. پیامبران و اولیای الهی، در این میان نقش بسیار برجسته‌ای داشته‌اند. آنان مبارزه با فساد و تباهی و برقراری قسط و عدل در جامعه را سرلوحه برنامه‌های تبلیغی خود قرار داده، در این راه، جان نثاری‌های فراوانی از خود نشان داده‌اند (حسنی، ۱۳۹۱ ص ۱۰۴-۸۱).

از آنجاکه راه‌حلی‌هایی که برای اصلاح جوامع ارائه می‌گردد، باید براساس ارزش‌های پذیرفته شده در آن جامعه باشد، در جامعه اسلامی نیز می‌بایست راه‌حل‌های اصلاحی، متناسب با الگوها و آموزه‌های اسلامی ارائه گردد. بی‌تردید، امروزه یکی از معضلات جامعه اسلامی ما فساد اداری می‌باشد که گریبانگیر سازمان‌ها و ادارات شده است. از آنجاکه بهترین درمان، در جلوگیری از فساد، اقدامات پیشگیرانه برای برون رفت از این مشکل می‌باشد، باید راه‌حل‌های اسلامی را که بازدارنده از فساد اداری هستند شناسایی و معرفی شوند. ازاین‌رو، این پژوهش با مراجعه به سیره قولی و رفتاری اهل بیت عصمت و طهارت (ع)، بخصوص امیرالمؤمنین علی (ع) درصدد ارائه راه‌حلی برای پاسخ به این پرسش است که «عوامل و راه‌کارهای جلوگیری از فساد اداری چیست؟» در این مقاله، به تفکیک ابعاد مختلف نظام اداری پرداخته شده و سپس برای هر یک راه‌کاری ارائه شده است.

تعریف فساد اداری

ارائه تعریفی واحد، از اصطلاح «فساد اداری» کاری بس دشوار است؛ چراکه فساد اداری، دارای گستره مصداقی فراوانی است که بیان تعریفی جامع، که شامل همه آنها گردد، به سادگی ممکن نیست. ازاین‌رو، باید با تعریف مفهوم فساد اداری، از طریق نشانه‌ها و عوارض فساد اداری، مصداق آن را تشخیص داد. بنابراین، هر تعریفی که ارائه شود، یا کاملاً در مقابل تعریف‌های دیگر قرار می‌گیرد، یا ناظر به تعداد محدودی از ابعاد این پدیده می‌شود. ازاین‌رو، نمی‌تواند بیانگر تمامی ویژگی‌ها و

عوامل بازدارنده فساد اداری از نگاه امیر المؤمنین علی (ع)

علی رضاییان / استاد دانشگاه شهید بهشتی

کامد اسدالله زاده / کارشناس ارشد مدیریت تحول مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)

h.asad@chmail.i

چکیده

نظام اداری هر جامعه، بازوی اجرایی نظام سیاسی محسوب می‌شود؛ پرداختن به عواملی که موجب بازدارندگی از فساد، در سطوح مختلف نظام اداری می‌گردد، می‌تواند کمک به‌سزایی به نظام سیاسی داشته باشد. این مقاله، با رویکرد دینی بخصوص سیره رفتاری و گفتاری امیرالمؤمنین علی (ع) و به روش توصیفی و استنباطی و با رعایت اصل احتیاط در پژوهش‌های دینی، درصدد یافتن عوامل بازدارندگی از فساد در نظام اداری می‌باشد.

با توجه به تعاریف متفاوتی که از فساد اداری صورت گرفته است، به‌طور کلی فساد را می‌توان در دو سطح خرد و کلان مورد بررسی قرار داد. با مراجعه به سیره و اقوال علی (ع) می‌توان گفت: ایشان برای اصلاح ساختار اداری حکومت و جلوگیری از فساد، حداقل پنج سطح از عوامل را مورد اهتمام قرار داده‌اند که عبارتند از: عوامل روانی و رفتاری، عوامل سازمانی، عوامل فرهنگی و اجتماعی، عوامل سیاسی و عوامل اقتصادی.

کلیدواژه‌ها: مدیریت، فساد اداری، ارزش‌های اسلامی، نهج البلاغه، سیره علوی، حکومت، کارگزار.

دولت‌ها مربوط می‌شود. تعبیر دیگر از این سطح فساد، فساد «یقه‌سفیدان» است. به همین ترتیب، سطح خرد فساد که به فساد «یقه‌آبی‌ها» معروف است، عبارت است از: مبادلات، معاملات و بده‌بستان‌های فاسدی که در سطح کارمندان رده‌پایین و در ارتباط مستقیم با ارباب رجوع صورت می‌گیرد (حسینی، ۱۳۹۱ ص ۸۱-۱۰۴). افراد با توجه به نقشی که در اتخاذ تصمیمات دولتی و چرخه فعالیت‌های دولت ایفا می‌کنند، به سه زیرمجموعه تقسیم شده‌اند:

رهبران سیاسی و مدیران عالی‌رتبه دولت

منظور از رهبران سیاسی و مدیران عالی‌رتبه، گروه معدود افرادی است که قدرت سیاسی را در یک کشور در دست دارند و تصمیمات مهم کشوری را در زمینه قانون‌گذاری، سیاستگذاری و تخصیص منابع اتخاذ می‌کنند.

کارمندان شاغل در نظام اداری

منظور از این سطح از افراد در نظام اداری، کسانی هستند که به‌طور رسمی یا قراردادی در استخدام ادارات، مؤسسات، نهادها و شرکت‌های دولتی هستند. به این افراد، وظایف مشخصی در چارچوب دستورالعمل‌ها و قوانین اداری محول می‌شود.

شاغلین در بخش خصوصی و شهروندان غیرشاغل

این زیر مجموعه، شامل کلیه شاغلین در بخش خصوصی و افراد غیرشاغل نظیر بازنشستگان، بیکاران، افراد شاغل به تحصیل و افراد تحت تکفل (زنان خانه‌دار، کودکان، از کارافتادگان) می‌باشند. این گروه، قسمت اعظم افراد جامعه را شامل می‌شوند. بدیهی است که خویشاوندان سیاستگذاران و کارمندان دولت نیز اعضای آن هستند (حبیبی، ۱۳۷۵، ص ۲۳ و ۲۴).

فساد اداری از منظر امیرالمؤمنینؑ

امیرالمؤمنین حضرت علیؑ، بیست و پنج سال پس از رحلت پیامبر اکرمؐ خانه‌نشین شد. پس از این مدت طولانی، با اقبال عمومی و اصرار مردم، حکومت و رهبری جامعه اسلامی را بر عهده گرفت. یکی از علل اقبال مردم به امیر مؤمنانؑ، به ستوه آمدن مردم از فساد موجود در هیأت حاکمه و انحرافات موجود و روی آوردن عده‌ای به بازگشت به سنت‌های جاهلی بود. انحرافات و فساد به موجود در حکومت و زمام داران و کارگزاران حکومتی در زمان خلیفه سوم به اوج خود رسید. عثمان در دوره

مشخصات آن باشد و آن را کاملاً از پدیده‌ها و مفاهیم نزدیک به آن متمایز سازد. بدین ترتیب، بدون درگیر شدن با تعاریف مختلف این اصطلاح، مستقیماً به تعریف موردنظر می‌پردازیم.

واژه «فساد» از ریشه «فسد» به معنای جلوگیری از انجام اعمال درست و سالم است. معادل انگلیسی آن، «Corruption» از ریشه لاتینی «corruptus»، به معنای شکستن و نقض کردن است. چیزی که شکسته یا نقض می‌شود، می‌تواند قوانین و مقررات یا قواعد اداری باشد. بدین معنا، فساد یعنی هر پدیده‌ای که مجموعه‌ای را از اهداف و کارکردهای خود بازدارد (تانزی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۹-۱۷۸).

اما در اصطلاح «فساد اداری» عبارت است از: استفاده غیرقانونی از اختیارات اداری/ دولتی برای نفع شخصی. در این تعریف، به‌طور ضمنی فرض شده است که مجموعه‌ای از قوانین و ضوابط مدون اداری وجود دارند که چارچوب فعالیت‌های مجاز اداری را تعیین می‌کنند. آنگاه هرگونه رفتار اداری که مغایر با این قوانین بوده و انگیزه ارتکاب آن انتفاع شخصی باشد، فساد اداری تلقی می‌شود. اما از آنجاکه ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی هر جامعه متفاوت است و در یک جامعه این ارزش‌ها در طول زمان تغییر می‌کنند، برخی از محققان معتقدند: فساد اداری را می‌باید با توجه به دیدگاه‌های عمومی مردم تعریف کرد (حبیبی، ۱۳۷۵، ص ۱۵ و ۱۴).

در ادبیات مرسوم توسعه نیز فساد بر دو نوع تقسیم می‌شود: یکی «فساد بوروکراتیک و اداری» و دیگری «مجموعه ناهنجاری‌هایی که هر یک ناظر بر جنبه‌ای از فساد است». اما فساد اداری، به هر نوع سوءاستفاده‌ای اطلاق می‌شود که از امکانات عمومی در جهت منافع فردی صورت گیرد (مؤمنی، ۱۳۸۰، ص ۴۹). در تعریفی دیگر، فساد عبارت است از: هرنوع تصرف غیرقانونی در اموال دولتی و سوءاستفاده از موقعیت و استفاده غیر قانونی از اختیارات و قدرت در جهت استفاده از امکانات مالی، فساد مالی. که البته این تعریف دارای مصادیق زیادی است: اختلاس، رشوه، اخاذی، رانت‌های اقتصادی، دریافت وجوه من غیر حق (بدون داشتن حق) و... (رئسی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۴). به بیان دیگر، فساد یعنی هر پدیده‌ای که یک مجموعه را از اهداف و کارکردهای خود باز دارد و یا دور کند. بدین ترتیب، در اقتصاد، فساد به معنی شکل‌گیری رفتارهای اقتصادی است که با مفاهیم پذیرفته شده و اهداف آن مکتب ناسازگار باشد (هادوی تهرانی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۶).

انواع و سطوح فساد

مطالعه فساد در جوامع مختلف، نشانگر آن است که فساد بیشتر در دو سطح صورت می‌گیرد: سطح کلان و سطح خرد. فساد در سطح کلان، بیشتر به نخبگان سیاسی، مدیران عالی‌رتبه و مقامات ارشد

خلافت خود، خلاف‌ها و اشتباهات بسیاری را مرتکب شد. او حتی ظواهر را هم رعایت نمی‌کرد. خود را صاحب بیت‌المال و اختیار مردم می‌پنداشت. این نگرش وی، مفاسد اداری و اقتصادی فراوانی را در پی داشت. امیر مؤمنانؑ در بیان موقعیت عثمان می‌فرماید:

بالآخره سومی به پا خواست و همانند شتر پرخور و شکم برآمده، همی جز جمع‌آوری و خوردن بیت‌المال نداشت. بستگان پدری او، به همکاری‌اش برخاستند. آنها هم چون شتران گرسنه‌ای که بهاران به علفزار یفتند و با ولع عجیبی گیاهان را ببلعند، برای خوردن اموال خدا دست از آستین برآوردند، اما عاقبت بافته‌هایش پنبه شد و کردار ناشایست او کارش را تباہ ساخت و سرانجام، شکمبارگی و ثروت اندوزی، برای ابد نابودش ساخت (سیدرضی، خطبه ۳).

بنابراین، هنگامی که امیرالمؤمنینؑ به حکومت رسید، با انبوهی از مفاسد و انحرافات در نظام اداری و حکومتی مواجه بود. ایشان مبارزه با این مفاسد را از همان نخستین روزهای حکومت آغاز کرد. امامؑ در دومین روز از حکومت خود، با صراحت به بخشی از سیاست اصلاحی خویش اشاره کرده، می‌فرماید:

بدانید هر زمینی را که عثمان بخشید و هر ثروتی را که از اموال خداوندی هدیه کرد، به بیت‌المال باز می‌گردد؛ چراکه حقوق گذشته را چیزی از میان نبرد و اگر این ثروت‌ها را بیابم، در حالی که مهریه زنان شده یا در شهرها توزیع شده باشد، به جایگاهش بازگردانم؛ چراکه عدالت را گشایشی است و هر آن کس که عدالت برایش تنگ باشد، ستم بر او تنگ‌تر خواهد بود (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۶۹).

بزرگان قوم، آنگاه که صراحت عزم جدی علیؑ را برای مبارزه با مفاسد و تحقق بخشیدن به عدالت اجتماعی مشاهده کردند، اعتراض و اشکال تراشی را آغاز نمودند. اما آن حضرت، در مقابل مخالفت‌ها و اعتراض‌ها کوتاه نیامد و تردید نکرد و با قاطعیت بیشتر بر ادامه کار تأکید و فرمود: «خدا قسم! اگر بمانم و سالم باشم، آنان را بر راه روشن استوار خواهم داشت» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۳۸). در مورد مبارزه با فساد استخدای و برخورد با کارگزاران فاسد نیز مخالفت‌های بسیاری با آن حضرت صورت گرفت و مقاومت‌های فراوانی شد، اما هیچ یک نتوانست تصمیم جدی و قاطع ایشان در مبارزه با فساد را تغییر دهد و آن حضرت را از این کار منصرف نماید (خدمتی، ۱۳۸۴، ص ۳۰).

عوامل بازدارنده فساد اداری

۱. عوامل روانی و رفتاری

برخی عوامل بازدارنده، مربوط به حوزه رفتار در نظام اداری می‌باشند که حضرت امیرالمؤمنینؑ در دو زمینه زیر راه‌کارهایی را ارائه می‌دهند:

الف. تقویت ایمان و باورهای دینی

یکی از راه‌های پیشگیری و مبارزه با فساد اداری در سیرهٔ مدیریتی حضرت علیؑ تقویت ایمان و باورهای دینی کارگزاران حکومتی است. مروری کوتاه بر برخی از نامه‌ها و رهنمودهای آن حضرت، نشان می‌دهد که ایشان تا چه اندازه به مسئلهٔ تقویت ایمان و ترویج باورهای دینی کارگزاران اهتمام می‌ورزیدند.

امیر مؤمنان علیؑ، در نامه‌ای به یکی از کارگزاران و مأموران خود چنین می‌فرماید:

او را فرمان می‌دهد به تقوا و ترس از خدا در امور پنهانی و اعمال مخفی، در آنجا که جز خدا هیچ کس شاهد و گواه، و احدی غیر از او وکیل نیست و نیز به او فرمان داده که برخی از اطاعت‌های الهی را آشکارا انجام ندهد. در حالی که در پنهان خلاف آن را انجام می‌دهد. (و باید بداند) آن کس که پنهان و آشکارش، کردار و گفتارش با هم مخالفت نداشته باشد، امانت الهی را ادا کرده و عبادت را خالصانه انجام داده است (سیدرضی، نامه ۲۶).

در این نامه، حضرت علیؑ پیش از آنکه دستورهای حکومتی و مدیریتی خویش را به کارگزار خود ارائه کند، او را به تقوا و پایبندی به دستورهای الهی دعوت کرده، می‌کوشد که تقوا و پرهیزکاری را در او نهادینه کند. البته این شیوه منحصر به این نامه نیست؛ روش ایشان در بسیاری از نامه‌ها و رهنمودهای دیگر به کارگزاران، استانداران، فرمانداران، فرماندهان لشکری و... نیز چنین بوده است. چنان‌که در نامه معروف آن حضرت به مالک اشتر، ایشان پیش از ارائه دستورها و مقررات مدیریتی، او را به تقوای الهی و متابعت از دستورهای خداوند متعال دعوت کرده، می‌فرماید:

این دستوری است که بنده خدا علی به مالک‌بن حارث اشتر در فرمانش به او صادر کرده است. این فرمان را هنگامی نوشته که وی را زمامدار کشور مصر قرار داده است ... (نخست) او را به تقوا، ترس از خدا و ایثار و فداکاری در راه اطاعت خدا به متابعت از امری که در کتاب الله آمده است، مثل واجبات و سنت‌ها فرمان می‌دهد؛ همان دستورهایی که هیچ کس جز با متابعت آنها روی صداقت نمی‌بیند و جز با انکار و ضایع کردن آنها در شقاوت و بدبختی واقع نمی‌شود. به او دستور می‌دهد که (آیین) خدا را با قلب و دست و زبانش یاری نماید؛ چراکه خداوند متکفل یاری کسی شده است که او را یاری نماید و... و به او دستور می‌دهد که هوس‌ها و خواسته‌های نابه‌جای خود را در هم بشکند و به هنگام وسوسه‌های نفس، خویشتن داری کند؛ زیرا نفس اماره همواره انسان را به بدی وا می‌دارد، مگر اینکه رحمت الهی شامل حال او شود (سیدرضی، نامه ۵۳).

ب. حق‌محوری

امام علیؑ، فلسفهٔ حکومت خود را اقامه حق می‌دانست و با مداهنه و سازشکاری در اداره امور مردم، که سیاست اموی است، به شدت مخالف بود. حکایت مشهور برتری دادن نعلین وصله کرده، بر

حکمرانی ناظر و شاهد بر این معناست. همچنین ماجرای حضرت با برادرش عقیل بن ابوطالب و گداختن آهن و نزدیک کردن آن به بدن برادرش، نمونه دیگری از حق محوری امیرالمؤمنینؑ است که با وجود مهر و عطوفتی که نسبت به همه مردم، به خصوص خویشان و نزدیکانشان داشتند، ولی هرگز حاضر نشدند تا این حق محوری را فدای مهر و محبت خویشاوندی نمایند.

همچنین در جنگ جمل وقتی حارث همدانی، یکی از یاران حضرت به جهت حضور عایشه (همسر پیامبر) و طلحه و زبیر در سپاه مقابل، دچار لغزش و تردید نسبت به موقعیت امیرالمؤمنینؑ می‌شود، حضرت در پاسخ به او بدون جانب‌داری از خود، این‌گونه می‌فرماید: «نگاهت را به زیر افکندی و بالای سرت را نگاه نکردی؛ به همین جهت سرگردان شدی! تو حق را شناختی تا اهل آن را بشناسی، و باطل را شناختی تا پیرو باطل را بشناسی» (سیدرضی، حکمت ۲۶۲).

۲. عوامل سازمانی و مدیریتی

در بعد سازمانی و مدیریتی نیز امام علیؑ در ضمن اذعان به بُعد زمینه‌سازی‌های رفتاری، به بیان راه‌کارهایی برای اصلاح و همچنین جلوگیری از فساد در نظام اداری می‌پردازند، که عبارتند از:

الف. گزینش کارگزاران صالح و توانا

شایسته‌سالاری در گزینش و نصب افراد و مدیران دستگاه‌های اجرایی، یکی از مهم‌ترین راه‌کارهای مبارزه با فساد اداری است که در ادبیات دینی بر آن بسیار تأکید شده است. برای نمونه، در قرآن کریم، از زبان دختران شعیب آمده است که خطاب به پدر در خصوص استخدام حضرت موسیؑ به شبانی می‌گویند «او را به خدمت بگیر؛ زیرا قوی (شایسته برای شبانی) و درستکار است» (قصص: ۲۶)؛

همچنین از دیدگاه امیرالمؤمنین، گزینش کارگزاران در نظام اسلامی، باید براساس شایستگی‌ها باشد و نه براساس وابستگی‌ها. صلاحیت اخلاقی، اصالت خانوادگی، تخصص و توانایی کارگزاران باید در گزینش مورد توجه قرار گیرد. مسئولان و مدیران در نظام اسلامی حق ندارند پست‌ها را براساس وابستگی‌های خانوادگی و یا سیاسی تقسیم کنند. آنها حق ندارند کارهای مردم را به کسانی بسپارند که از اصالت خانوادگی محرومند. حق ندارند به کسی که بد اخلاق است، مسئولیت بسپارند. حق ندارند امور مردم را به کسی که از تخصص و توانایی و نشاط لازم برخوردار نیست، واگذار نمایند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ص ۳۵-۲) از این‌رو، حضرت در عهد نامه مالک اشتر می‌فرماید:

هر کدام به اندازه سامان یافتن امورشان بر والی حق دارند و والی از ادای آنچه خدا او را به انجام آن ملزم ساخته است، فقط با سخت کوشی و یاری طلبیدن از خدا و آمادگی برای حق‌مداری و شکیبایی بر

آن، خواه کوچک باشد یا بزرگ، خارج خواهد شد. بنابراین، فرمانده سپاه خود را کسی قرار ده که از نظر تو نسبت به خدا و فرستاده او و امام تو، خیر‌خواه‌تر و پاک‌تر و حلیم‌ترند؛ همانان که دیر به خشم می‌آیند و به راحتی عذر می‌پذیرند و نسبت به ضعیفان، مهربانند و در برابری زورمندان، قدرتمندند؛ همانان که مشکلات، آنها را از پای در نمی‌آورد و ناتوانی آنان را به زانو در نمی‌آورد. آنگاه با افراد با شخصیت و اصیل و خاندان‌های صالح و خوش سابقه ارتباط برقرار کن، سپس با انسان‌های کریم و شجاع و سخی و بزرگواری؛ چراکه آنها کانون کرامت و شعبه‌های نیکی هستند... و از میان آنها، افرادی که با تجربه و با حیا و از خاندان‌های شریف هستند و در اسلام آوردن، پیشگام‌اند، برگزین؛ زیرا اخلاق آنها بهتر و تبار آنها اصیل‌تر و طمع آنها کمتر و آینده‌نگری آنها بیشتر است... و از میان آنها بر کسانی اعتماد کن که در میان مردم، خوش آوازه‌تر و به امانت‌داری معروف‌ترند؛ این، دلیل فرمانبرداری تو از خدا و خیرخواهی برای مردم است. در رأس هر یک از امور خود، یکی از آنان را بگمار که گستردگی کار، او را ناتوان نسازد و بسیاری آن را پریشان نسازد. اگر در منشیان تو عیبی باشد و تو از آن غافل باشی، به آن بازخواست خواهی شد (سیدرضی، نامه ۵۳).

ب. برکناری کارگزاران فاسد

امیرالمؤمنین امام علیؑ بلافاصله پس از اینکه به حکومت رسیدند، مبارزه با فساد و انحرافات موجود در دستگاه حکومتی و پالایش مناصب حکومتی از افراد فاسد را در اولویت کار خود قرار دادند؛ زیرا وجود چنین افراد نالایق و فاسدی در میان کارگزاران حکومتی، به هیچ وجه به مصلحت امت اسلامی نبود و با روش و منش آن حضرت نیز سازگاری نداشت. آن حضرت، در این مسیر خیرخواهی عده‌ای از صحابه را برای ابقای برخی از کارگزاران، برای تثبیت حکومتشان نپذیرفتند. البته سیاست روشن امیرمؤمنان حضرت علیؑ در برخورد با کارگزاران فاسد و برکناری آنها از مناصب حکومتی، منحصر به اوایل خلافت آن حضرت و برکناری کارگزاران عثمان نمی‌شود. ایشان در مورد کارگزاران خودشان، که در زمان کارگزاری مرتکب فساد می‌شدند نیز همین سیاست را اعمال می‌کرد. یکی از این موارد، قضیه سوده دختر عماره همدانیه است که پس از شهادت حضرت علیؑ در نزد معاویه آمد و بعد از آنکه معاویه به جهت کینه‌ای که از سوده در جنگ صفین، به جهت کینه‌هایش داشت، او را مورد توبیخ قرار داد. در مقابل، درخواست سوده برای برکناری والی‌ای که معاویه نصب کرده بود او را تهدید کرد. سوده نیز در پاسخ معاویه، ماجرای را از امیرالمؤمنینؑ این‌گونه نقل کرد:

درباره مردی نزد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالبؑ رفتم که او را سرپرست گرفتن مالیات کرده بود. آن مرد بر ما ستم می‌کرد. وقتی خدمت ایشان رسیدم، دیدم که ایستاده و آماده خواندن نماز است. وقتی مرا دید، باز ایستاد و با روی گشاده و مهر و مدارا به سوی من آمد و گفت: خواسته‌ای داری؟ گفتم: بلی؛ و جریان

امیر مؤمنانؑ نیز در امور فردی و اجتماعی، به‌ویژه در امور حکومتی، طرفدار جدی نظم و انضباط بود و به کارگزاران خود مکرر توصیه می‌کرد که انضباط اداری را در کارها فراموش نکنند. آنها باید تلاش کنند هر کاری در وقت مقرر خود انجام شود. از این رو، در نامه به مالک اشتر، حضرت این‌گونه بیان می‌کنند:

کار هر روز را در همان روز انجام ده که هر روزی کار مخصوص خود را دارد... از شتاب کردن در کارهایی که وقت آنها نرسیده، یا سستی در کارهایی که امکان آن فراهم شده، یا لجاجت در اموری که مبهم است، یا سستی در کارهایی که روشن و واضح است، پرهیز؛ هر کاری را در جای خود انجام ده و هر امری را به موقع خود آن به جای آور» (سیدرضی، نامه ۵۳).

باید توجه داشت که اهتمام حضرت به نظم و انضباط، تنها منحصر در توصیه‌های ایشان نمی‌شد، بلکه ایشان مراقبت از کارمندان نظام اسلامی را از طریق تشکیلات اطلاعاتی و مأموران مخفی ضروری می‌دانست که مبادا در انجام وظایف کوتاهی کنند و یا با تکیه بر مسند قدرت، به حقوق مردم تجاوز نمایند. بخشنامه‌های امام در این زمینه، و نامه‌های ایشان به کارگزاران متخلف مانند اشعث بن قیس، که قوم خود را در یمامه فریب داد و سبب شد تا خالد بن ولید بر آنان هجوم برد و امامؑ در کوفه از طریق مأموران اطلاعاتی خود از آن مطلع شدند. همچنین حضرت در نامه‌ای خطاب به زیاد بن ابیه این‌گونه می‌فرماید:

آگاه شدم که معاویه برای لغزاندن خردت و سست کردن عزمت، نامه‌ای برایت فرستاده. از او حذر کن که بی‌تردید او شیطان است که از مقابل و پشت سر و از راست و چپ به جانب انسان می‌آید تا به وقت غفلت، بر او هجوم آورد، و عقل ساده‌اش را بدزد (سیدرضی، نامه ۴۴)؛

این موضوع، حاکی از ایجاد یک تشکیلات نیرومند اطلاعاتی ناظر بر عملکرد کارگزاران او در قدرت است. مأموران اطلاعاتی حکومت امام، از چنان عدالت و وثاقتی برخوردار بودند که گزارش آنان مبنای اجرای سیاست تشویق و تنبیه اداری کارگزاران بود (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ص ۲۳۵).

در این زمینه، حضرت کسانی را به‌عنوان بازرس و مأمور ویژه، به نقاط مختلف می‌فرستادند تا در مورد عملکرد و رفتار کارگزاران آن حضرت تحقیق و تفحص کنند و آگاهی‌های لازم را در این زمینه به دست آورند و به ایشان اطلاع دهند. از جمله، امامؑ به مالک بن کعب، که یکی از کارگزاران ایشان و فرماندار منطقه عین التمر بود، نامه‌ای نوشتند و به او دستور دادند تا به منطقه عراق برود و بر عملکرد کارگزاران در آن منطقه نظارت و کنترل داشته باشد و نتیجه بازرسی خود را به اطلاع ایشان اطلاع دهند. قسمتی از نامه آن حضرت به مالک چنین است:

برای انجام کارهای (منطقه) خویش، کسی را جانشین ساز و خود به همراه گروهی از یارانت بیرون بروید

ظلم آن مرد را به ایشان گفتم. آن حضرت گریست و گفت: خدایا! تو گواهی که من به آنها فرمانستمگری بر بندگانت و رها کردن حقوق تو را نداده‌ام. آنگاه از جیب خود، تکه پوستی در آورد و در آن چنین نوشت: «به نام خداوند بخشنده مهربان... هنگامی که نامه‌ام را خواندی، کارهایی را که در دست توست، سامان ده تا کسی را روانه کنیم از تو باز ستاند، والسلام». آنگاه آن نامه را به من داد، من آن را آوردم و به فرماندارش سپردم و او برکنار شد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۱، ص ۱۱۹).

ج. قاطعیت توأم با مدارا

در نظام علوی، کارگزاران حکومت باید در عین قاطعیت، از رفق و مدارا برخوردار باشند. از دیدگاه امامؑ، خشونت مطلق، آفت مدیریت است. چنانچه نرمش بی حساب هم برای اداره امور مردم زیانبار است. مدیریتی موفق است که بتواند میان نرمش و قاطعیت را با هم جمع کند. از این رو، حضرت در نامه‌ای به یکی از کارگزاران خود این‌گونه می‌نویسد:

اما بعد، بزرگان و زراعت پیشگان منطقه تو، از سخت‌گیری، خشونت، تحقیر و ستم تو شکایت کرده‌اند، و من درباره آنان اندیشیدم، نه آنان را شایسته نزدیک شدن یافتم؛ چراکه مشرکند و نه سزاوار ترد و ستم؛ چراکه با آنان پیمان بسته‌ایم. پس برای آنان جامه‌ای از مدارا همراه با اندکی سختی پوش، و رفتاری مخلوط از نرمی و شدت با آنان داشته باش، نه آنان را بسیار قریب و نزدیک آر، و نه بسیار بعید و دور گردان، اگر خدا بخواهد (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۱۹).

د. انضباط اداری و ایجاد تشکیلاتی برای نظارت عملکرد کارگزاران

یکی از وظایف اصلی دولت و به‌طور کلی نظام اداری، نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات از سوی شهروندان در فعالیت‌ها و امور گوناگون است. بسیاری از محدودیت‌های قانونی، به دلیل منافع جامعه به یک فرد تحمیل می‌شوند که نقض آنها موجب افزایش منافع یا کاهش هزینه‌های او می‌گردد. دولت باید برای اجرای قوانین و حفظ حقوق جامعه و تنبیه قانون شکنان، در زندگی مردم مداخله کند (حیبی، ۱۳۷۵، ص ۶۳).

از دیدگاه اسلامی، انسان موجودی اجتماعی است و بسیاری از عوامل رشد و تکامل یا عقب‌ماندگی و سقوط وی، در روابط اجتماعی‌اش با دیگران قرار دارد. از این رو، حساسیت به این روابط، و تلاش در جهت سالم‌سازی جامعه، از وظایف اصلی انسان‌هاست. آیات و روایات بسیاری، از جهات متعدد، بر این وظیفه اجتماعی، دینی و سیاسی تأکید نموده، ابعاد مختلف آن را گوشزد کرده‌اند. علت برتری امت اسلامی بر سایر امت‌ها، عمل به همین فریضه دانسته شده است (حسنی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴-۸۱).

چنین می‌نویسد: «ای رفاعة! بدان که این امارت و حکومت، امانتی است که هر کس به آن خیانت کند، لعنت خدا تا روز قیامت بر او باشد» (مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۳۱).

ب. کنترل و نظارت اجتماعی

وظیفه مردم و جامعه در رابطه با کنترل و نظارت اجتماعی، بسیار حساس، شفاف و ارزشمند است. در فرهنگ علوی، بحث امر به معروف و نهی از منکر و نقد عملکرد حکام و کارگزاران و انتقاد سالم، سازنده، مؤثر و نظارت و پیگیری امور از سوی مردم، به‌عنوان یک وظیفه شرعی و یک تکلیف الهی، همواره مورد تأکید قرار گرفته است. شاید بتوان گفت: مباحث مربوط به موضوع امر به معروف و نهی از منکر و نظارت بر امر کارگزاران حکومتی و نصیحت و خیرخواهی و زمامداران جامعه اسلامی، از ویژگی و عنایت خاصی برخوردار است. تا جایی که در بحث حقوق متقابل حاکم و مردم، به اصل نصیحت و طرفین بودن این اصل، همواره عنایت شده است. پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «سه وظیفه است که قلب انسان مسلمان، هرگز در آن خیانت روا نخواهد داشت: اینکه کارها را برای خدا انجام بدهد، اینکه همواره خیرخواه زمامداران و جماعت مسلمانان باشد» (مغربی، ۱۳۸۵، ص ۳۷۸).

امیرالمؤمنینؑ، مردم را و حاکم را دارای حق معرفی می‌کند. آنگاه، حقوق هر یک را چنین بر می‌شمارد: بزرگ‌ترین چیزی که خداوند متعال واجب گردانیده است از حقوق، حق حاکم بر مردم و حق مردم بر حاکم است؛ واجبی که خداوند هریک را بر دیگری واجب گردانیده و از این طریق، نظمی را برای الفت و دوستی ایشان قرار داده است و مایع عزت دین‌شان قرار داده است. پس مردم اصلاح نمی‌شوند، مگر بوسیله اصلاح حاکمان و حاکمان اصلاح نمی‌گردند، مگر به پایداری مردم... (سیدرضی، خطبه ۲۱۶).

۴. عوامل سیاسی

یکی دیگر از عوامل بسیار مهمی که می‌توان نسبت به ایجاد فساد در نظام اداری بازدارنده باشد، عامل سیاسی است که امام علیؑ نیز بر آن تأکید داشت و سازوکارهایی را برای بهره‌گیری از این عامل طراحی نموده بودند:

الف: قانون‌گرایی و عدم تبعیض در برخورد با فساد

یکی از اصول اساسی در مبارزه با فساد اداری، برخورد یکسان و بدون تبعیض با مرتکبان آن است. رسول خداﷺ در مقابل تلاش عده‌ای برای جلوگیری از قطع دست زنی از اشراف، که مرتکب سرقت شده بود، فرمودند:

و تمام سرزمین عراق را منطبقه به منطبقه بگردید، و از چگونگی رفتار و عملکرد کارگزاران و عمال آنان جویا شوید و سیره و روش آنان را بررسی کنید (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴).

۳. عوامل فرهنگی و اجتماعی

حضرت امیرالمؤمنینؑ در حکومت خویش کنار ساختارهایی که برای جلوگیری از فساد طرح ریزی نموده بودند، از عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز غافل نبوده، برای ایجاد زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی مبارزه با فساد در نظام اداری، راه‌کارهایی را ارائه داده‌اند:

الف. تغییر نگرش کارگزاران نسبت به مسئولیت و وجدان کاری

وجدان کاری و وظیفه‌شناسی، یکی از عوامل فرهنگی مؤثر برای مبارزه با فساد و انحراف اجتماعی به‌شمار می‌آید. می‌توان گفت: بین وجدان کاری و فساد، رابطه‌ای معکوس وجود دارد؛ به این معنا که با فقدان وجدان کاری، فساد و انحرافات افزایش خواهند یافت و وجود آن می‌تواند موجب کاهش فساد اداری در سازمان‌ها شود. بدین ترتیب، ضعف وجدان کاری از مهم‌ترین ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی فساد اداری است (حسنی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴-۸۱). در قرآن کریم نیز از وجدان کاری به نفس لوآمه تعبیر شده است که در صورت انجام کار زشت، انسان را نکوهش می‌کند: «و سوگند به (نفس لوآمه و) وجدان بیدار و ملامت‌گر (که رستاخیز حق است) (قیامه: ۲).

به نظر می‌رسد، یکی از راهبردهای اصلی امیرمؤمنانؑ در مبارزه با فساد اداری و پیشگیری از آن، اصلاح نگرش مدیران و کارگزاران نسبت به مدیریت و حکومت بوده است. آن حضرت، در موارد مختلف این نکته را به کارگزاران خویش گوشزد نموده که نگرش خویش را نسبت به پست و مقامی که در اختیار دارند، تغییر دهند و آن را فرصتی برای به دست آوردن منافع شخصی خود ندانند، بلکه آن را امانتی الهی بشمارند که در اختیار آنها قرار گرفته است تا وظایف محوله را به درستی انجام دهند. امیرمؤمنانؑ در نامه‌ای به اشعث بن قیس، به این مسئله مهم پرداخته، خطاب به او چنین می‌نویسد:

«کاری که در دست توست، طعمه (و فرصتی برای چپاول) نیست، بلکه امانتی است بر گردن تو» (سیدرضی، نامه ۵). در این نامه، حضرت تلاش می‌کند تا نگرش اشعث را به‌عنوان یک کارگزار حکومتی، به پست و مقامی که در اختیار اوست، تغییر دهد و او را به این حقیقت رهنمون سازد که قدرت و اختیاری که به او داده شده، تنها امانتی در دستان اوست تا بتواند وظایف محوله را به نحو احسن انجام دهد تا به اهداف مورد نظر دست یابد (خدمتی، ۱۳۸۴، ص ۴۳-۲۴).

همچنین حضرت امیرمؤمنانؑ، در نامه‌ای دیگری به قاضی منصوب از جانب خویش، در منطبقه‌اهاوز

می‌گفت: «پاک و آراسته نیست امتی که در آن امت، زیر دست نتواند بدون لکنت زبان، حق خود را از قوی دست بستاند (سیدرضی، نامه ۵۳).

۵. عوامل اقتصادی

علاوه بر ابعادی که ممکن است زمینه‌ساز فساد در نظام اداری باشند، عامل اقتصادی می‌تواند یکی از مهم‌ترین این عوامل به‌شمار آید، تا از طریق اصلاح ضعف‌ها و منفذهای اقتصادی، زمینه نفوذ و سودجویی افراد فاسد گرفته شود. امام علیؑ نیز بر این امر تأکید داشته و ساز و کارهایی را برای آن طرح‌ریزی نموده‌اند:

الف. اصلاح نظام اداری و مالیاتی

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین روش‌ها برای مبارزه با فساد اداری، اصلاح روش‌های ارائه کالاها و خدمات توسط دستگاه‌های اداری است. ارائه بسیاری از خدمات اداری و چگونگی تقسیم کار در درون اداره، به گونه‌ای باید باشد که ارباب رجوع به صورت زنجیروار مراحل مختلفی را طی نکند؛ چراکه در یک فرایند زنجیره‌ای، هر یک از مراکز تصمیم‌گیری و ارزیابی به‌طور بالقوه قادر است ارباب رجوع را برای دریافت رشوه تحت فشار قرار دهد. برای اصلاح ساختار اداری، می‌توان با خارج نمودن افراد از حالت انحصاری و کاهش ارتباط و برخورد مستقیم ارباب رجوع با کارمندان، به اصلاح فساد اداری کمک نمود (حبیبی، ۱۳۷۵، ص ۸۹).

امیرالمؤمنینؑ در مورد نظام‌مندی امر خراج و مالیات، به طرح مسائل اصلاحی و آداب و آیین‌های اخذ خراج می‌پردازند و سفارش به تقوا، رعایت حریم ملک، اعلام موضوع، اعلام اینکه برای اخذ حق خدا آمده‌ام، کفایت اقرار فرد در مورد وجود حق خدا یا عدم آن، نگرفتن بیشتر از حق الهی و... از مسائلی است که امام در سیره و گفتار خود تبیین نموده‌اند. در نظر امام خراج، و مالیات زمانی مؤثر است که وضع اقتصادی رو به بهبودی برود و برای رعایت حال مالیات دهنده صورت گرفته باشد و او از قبل سود خود مالیات دهد. از این‌رو، حضرت به مالک اشتر می‌فرماید:

... در مورد مالیات چنان عمل کن که موجب بهبود حال خراج گزاران گردد؛ زیرا با درستی خراج و سامان یافتن حال خراج گزاران، وضع دیگران نیز اصلاح شود و کار دیگران جز با بهبود آنان سامان نپذیرد؛ زیرا روزی مردم در گرو خراج و خراج گزاران است (سیدرضی، نامه ۵۳).

در اندیشه امام اصل، بر آبادانی است؛ یعنی تا زمانی که آبادانی و شرایط مناسب در امر کشاورزی صورت نگیرد، خراج گزار به سود نخواهد رسید تا خراج به او تعلق گیرد. بنابراین، امام به عامل خود

آنان که پیش از شما بودند، تنها به سبب چنین تبعیض‌هایی هلاک شدند؛ زیرا حدود را بر ناتوانان اجرا می‌کردند و قدرتمندان را رها می‌ساختند. بنی‌اسرائیل تنها به این سبب هلاک شدند که حدود را در خصوص فرودستان اجرا می‌کردند و بزرگان را معاف می‌ساختند. (حسینی، ۱۳۹۱ ص ۱۰۴-۸۱).

احترام امام به قانون به حدی بود که خود را در برابر قانون صاحب اختیار نمی‌دانست. ایشان معتقد بود: هیچ کس فراتر از قانون نیست. هیچ کس نمی‌تواند و نباید مانع اجرای قانون الهی گردد. از این‌رو، حضرت می‌فرمودند: «مبادا که رعایت حق و مراعات کسی شما را از برپایی حق باز دارد» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ص ۷۵۴).

قانون‌گرایی و عدم تبعیض حضرت امیرالمؤمنینؑ به گونه‌ای بود که فشارهای اجتماعی و سیاسی نمی‌توانست مانع آن حضرت در اجرای قانون گردد. از امام باقرؑ نقل شده است:

امام علیؑ مردی از بنی‌اسد را که حدی از حدود الهی بر او واجب شده بود، دستگیر کرد، اما قوم او جمع شدند تا وساطت کنند و از امام حسن خواستند آنان را همراهی کند. ایشان فرمود: «نزد او بروید.» آنان نزد حضرت رفتند و خواسته خود را مطرح ساختند. حضرت فرمود: «هر خواسته‌ای که در قدرت من باشد، انجام خواهم داد. آنان از نزد حضرت خارج شدند، می‌پنداشتند که به هدف خود رسیده‌اند. امام حسنؑ - نتیجه ملاقات را - پرسید و آنان گفتند: با موفقیت آمدیم، و جمله حضرت را بازگو کردند. امام حسنؑ به آنان فرمودند: «خودتان را برای تازیانه خوردن رفیقان آماده کنید!» پس آن حضرت او را بیرون آورد و حد را بر او جاری ساخت و سپس، به آنان گفت: «به خدا سوگند این در قدرت من نبود (مغربی، ۱۳۸۵، ص ۴۴۳).

ب. شفافیت‌گرایی

شفافیت و شفافیت‌گرایی، از مقوله‌های مورد تأکید و توجه در آموزه‌های دینی است. دین مبین اسلام، که حکومت را امانتی در دست حاکمان و کارگزاران حکومت می‌داند، نظارت بر چگونگی استفاده و نگهداری از این امانت و ضرورت پاسخ‌گویی در قبال آن را از مسلمات مبانی سیاسی اسلام به‌شمار می‌آورد. به همین دلیل امام علیؑ خطاب به مالک اشتر، ضرورت پاسخ‌گویی در مقابل مردم را بدین صورت بیان می‌فرماید:

برای کسانی که به تو نیاز دارند، زمانی معین کن که در آن، فارغ از هر کاری به آنان پردازی. برای دیدار با ایشان به مجلس عام بنشین؛ مجلسی که همگان در آن حاضر توانند شد و برای خدایی که آفریدگار توست، در برابرشان فروتنی نمای و بفرمای تا سپاهیان و یاران و نگهبانان و پاسبانان به یک سو شوند تا سخن‌گویشان بی‌هراس و بی‌لکنت زبان، سخن خویش بگویند که من از رسول‌اللهﷺ بارها شنیدم که

دستور می‌دهد که اصل را بر آبادانی بگذار تا از قبل آن سودی حاصل آید، و خراجی ستانده شود. این نکته قابل توجه است که از منظر امام، اخذ مالیات از در آمد ناشی می‌شود. از این رو، امام به این امر اهتمام دارند که بر مبنای نظر کارشناسی مأمور و با احترام به نظر خراج گزار، این امر صورت پذیرد. حضرت در فرازی دیگر خطاب به مالک اشتر می‌فرماید:

... باید نظر تو بیشتر در آبادانی زمین باشد تا گرفتن خراج، چون خراج بدون آبادانی به دست نیاید و آنکه بدون آبادانی خراج مطالبه نماید، کشور را خراب و مردم را هلاک کند و حکومتش چند روز بیش نپاید. بنابراین: اگر مردم از سنگینی مالیات یا آفت زدگی یا قطع سهمیه آب یا خشکسالی یا دگرگونی وضع زمین بر اثر غرقاب یا بی‌آبی، شکوه کردند، به آنان تا هر قدر که فکر می‌کنی موجب بهبود وضعشان خواهد شد تخفیف بده ... (همان).

ب. تأمین نیازهای اقتصادی کارگزاران صالح

امیرمؤمنان علیؑ معتقد بود: برای پیش‌گیری از فساد اداری، باید کارگزاران دولت از حقوق کافی برای تأمین زندگی برخوردار باشند تا زمینه برای اصلاح آنان فراهم گردد و نیاز به اخذ اموال عمومی، و بهانه‌ای برای فساد و خیانت نداشته باشند. مسئله تأمین زندگی و نیازهای اقتصادی کارگزاران را حضرت از وظایف سازمان حاکمیت می‌داند و این امر را به صورت جدی به مدیران گوشزد می‌کند. ایشان در نامه‌ای خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «آنگاه حقوق کافی به آنان بده؛ زیرا این کار آنها را در اصلاح خویشتن تقویت می‌کند و از خیانت در اموالی که زیر دست آنها است، بی‌نیاز می‌سازد و حجتی علیه آنهاست، اگر از دستورات تو سرپیچی کنند و یا در امانت تو خیانت کنند» (همان).

ج. پرهیز از دادن امتیازات ویژه (رانت)

امیر مؤمنانؑ با عنایت به اینکه نزدیکان والی، بزرگ‌ترین خطر برای استفاده خاص از منافع عمومی و موقعیت‌های ویژه اقتصادی هستند، در بخشی از فرمان خود به مالک اشتر، این امر را بررسی نموده و مالک را از آن نهی کرده، می‌فرماید:

... دگر آنکه هر زمامداری، یاران نزدیک و محرم اسراری دارد که در میان ایشان امتیاز خواهی و دراز دستی و بی‌انصافی در روابط اقتصادی پیدا می‌شود. اما تو ریشه ستم و فساد اینان را با بریدن اسباب آن برکن. مبادا به هیچ یک از نزدیکان زمینی واگذاری، و مبادا کسی از سوی تو به این طمع افتد که مالک آب و زمینی گردد تا به همسایگان در آبیاری یا کار مشترک خسارت وارد آورد و بارش را بر دوش دیگران اندازد (همان).

از این فراز چند نکته برداشت می‌شود: اول آنکه، به والیان هشدار می‌دهند که همواره به‌طور طبیعی در اطرافیان و نزدیکان حاکم روحیه سودجویی بروز نماید. علت بروز نیز غالباً مقاصد اقتصادی است که معمولاً به صورت امتیازهای ویژه آشکار می‌شود. دوم اینکه، باید مواجبه کارگزار به‌گونه‌ای باشد که این امتیاز خواهی را در ریشه بخشکاند. سوم اینکه، در صورت بروز این پدیده، کارگزار به هیچ عنوان به فعلیت رسیدن آن را برنتابد و به‌گونه‌ای رفتار کند که سوءاستفاده‌کننده از طمع خویش ناامید شود. چهارم اینکه اگر آنان خود امکاناتی را فراهم آوردند، رفتار والی به‌گونه‌ای باشد که آنان از امتیاز خویشاوندی یا نزدیکی که دارند، در جهت استفاده بیشتر از منابع عمومی و مشترکات با همسایگان بکار نگیرند و بار خویش را به دوش دیگران نیفکنند و به آنان خسارت وارد نیاورند (صدر، ۱۳۸۵ ص ۱۰۸-۱۲۴).

د. ممنوعیت هدیه و رشوه

در نظام علوی برای مبارزه با فساد اداری، علاوه بر ممنوعیت اخذ رشوه، گرفتن هدیه از مردم توسط کارگزاران دولت نیز ممنوع بود. حضرت امیرالمؤمنین می‌فرماید: «هر زمامداری که از برآوردن نیازهای مردم، خود را پنهان کند، خداوند در روز واپسین، میان او و نیازهایش فاصله خواهد انداخت، و اگر هدیه‌ای دریافت کند، خیانت کرده است و اگر رشوه بگیرد، مشرک است» (همان).

آنچه از احکام فقهی مسلم است اینکه رشوه دادن و گرفتن دارای حرمت وضعی و تکلیفی می‌باشد. ولی عنوان هدیه، نه تنها حرمت و نهی‌ای نشده است، بلکه سبب دوستی و محبت معرفی شده است. ولی براساس کلام و سیره امیرالمؤمنینؑ این نیت‌های افراد هستند که سازنده عنوان‌ها می‌باشند. بنابراین، چنانچه هدیه‌ای به نیت رشوه پرداخت شود، صرف تغییر نام و عنوان، نمی‌تواند مانع از حرمت آن گردد. این امر در مورد حاکمان و کارگزاران حکومت نیز، که به‌عنوان نمایندگان حکومت اسلامی محسوب می‌شوند، از حساسیت بیشتری برخوردار است. امیرالمؤمنینؑ در نهی از گرفتن رشوه، هرچند به‌عنوان هدیه، ماجرای را این‌گونه نقل می‌فرماید:

شبهانگام کوبنده‌ای درب خانه‌ام را کوبید و در ظرفی سر بسته حلواپی آورده بود که آن را ناخوش می‌داشتم، گویی با آب دهان مار یا برگردان معده او آمیخته بود. پس بدو گفتم: آیا این به خاطر پیوند خویشاوندی است یا زکات و یا صدقه؟ که این دو بر ما خاندان پیامبر حرام است. گفتم: هیچ کدام، اما هدیه است. آنگاه گفتم: گریه کنندگان بر تو بگریند! آیا آمده‌ای تا از دین خدا مرا بفریبی؟ یا نظام فکری خود را از دست داده‌ای؟ یا جن زده شده‌ای؟ یا هذیان می‌گویی؟ به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم زمین را با آنچه در آسمانها است به من بخشند تا پوست جوی را به گناه از موری گیرم، هرگز چنین نکنم (همان، خطبه ۲۱۵).

ه. مبارزه با انحصارگرایی و انحصارطلبی‌ها

معادل عربی «انحصارطلبی»، واژه «استثثار» است. استثثار، از ریشه «أثر»، در مقابل «ایشار» و به معنای «مقدم داشتن خود یا وابستگان و هواداران خود بر دیگران در تأمین نیازها و خواست‌ها» است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۸). عوامل زیادی در انحصارطلبی انسان‌ها نقش دارند. همچون بی‌اعتنایی به حقوق مردم، بی‌رغبتی به مکارم اخلاقی، حرص بخل و حسد. اما مهم‌ترین عوامل و ریشه‌های انحصارطلبی، خودخواهی، بی‌ایمانی یا ضعف ایمان است. اگر ایمان، خودخواهی ذاتی انسان را مهار نکند، انسان به‌طور طبیعی انحصارطلب می‌شود و همه چیز را برای خود و وابستگان خود می‌خواهد. به فرموده امام علی علیه السلام «هر کس به فرمان‌روایی رسد، انحصارطلبی پیشه کند» (همان، حکمت ۱۶۰).

یکی از بهترین روش‌های مبارزه با انحصارطلبی زیردستان، دوری کردن مسئولان رده‌بالا از انحصارطلبی است. از ابواسحاق سیبسی نقل شده است که علی علیه السلام در بیت المال چیزی باقی نمی‌گذاشت (و همه را میان مردم تقسیم می‌کرد)، مگر آنچه را که در آن روز نمی‌توانست تقسیم کند. همچنین می‌فرمود: «ای دنیا! دیگری را بفریب»؛ و هیچ چیزی از فی‌ء را به انحصار خود در نمی‌آورد و چیزی را به خویشاوندان و نزدیکانش اختصاص نمی‌داد (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۱۰).

روش دیگر مبارزه با انحصارطلبی، توجه در گمارش افراد است. چنان‌که حضرت می‌فرماید: «در بانان و اطرافیان خود را از نیکان برگزین و کسانی از آنها را که امتیاز خواه و متجاوز و فاقد انصاف‌اند، از خود دور گردان و به احدی از کسان خود و اطرافیان قطع‌های وامگذار و به آنان اجازه مده که ملکی را برای خویش گیرند» (مغربی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۶۷).

نتیجه‌گیری

از سیره و گفتار امیرالمؤمنان علیه السلام، این‌گونه استفاده می‌شود که حضرت برای جلوگیری از فساد در سازمان حکومت و نظام اداری، راه‌کارهای ذیل را ارائه داده‌اند: در عوامل روانی و رفتاری، راه‌کار تقویت ایمان و باورهای دینی؛ حق‌محوری و در عوامل سازمانی، راه‌کار گزینش کارگزاران صالح و توانا؛ برکناری کارگزاران فاسد؛ قاطعیت توأم با مدارا؛ انضباط اداری و ایجاد تشکیلاتی برای نظارت عملکرد کارگزاران و در عوامل فرهنگی و اجتماعی، راه‌کار تغییر نگرش کارگزاران نسبت به مسئولیت و وجدان کاری؛ کنترل و نظارت اجتماعی و در عوامل سیاسی، راه‌کار قانون‌گرایی و عدم تبعیض در برخورد با فاسد؛ شفافیت‌گرایی و در عوامل اقتصادی، راه‌کار اصلاح نظام اداری و مالیاتی؛ تأمین نیازهای اقتصادی

کارگزاران صالح؛ پرهیز از دادن امتیازات ویژه و رانت؛ ممنوعیت هدیه و رشوه؛ مبارزه با انحصارگرایی و انحصارطلبی.

می‌توان گفت: با رعایت اصول یاد شده در نگاه امیرالمؤمنین علیه السلام، عوامل بازدارندگی نسبت به بخش زیادی از فسادهای اداری و همچنین ریشه کن شدن آن در برخی شرایط فراهم خواهد شد. راه‌کارهای بازدارنده فساد اداری در پنج قسمت در جدول (۱) آمده است:

جدول شماره (۱):

| ردیف | عوامل بازدارنده | راه‌کارها |
|------|------------------|---|
| ۱ | روانی و رفتاری | تقویت ایمان و باورهای دینی |
| | | حق‌محوری |
| ۲ | سازمانی | گزینش کارگزاران صالح و توانا |
| | | برکناری کارگزاران فاسد |
| | | قاطعیت توأم با مدارا |
| ۳ | اجتماعی و فرهنگی | انضباط اداری و ایجاد تشکیلاتی برای نظارت عملکرد کارگزاران |
| | | تغییر نگرش کارگزاران نسبت به مسئولیت و وجدان کاری |
| ۴ | سیاسی | کنترل و نظارت اجتماعی |
| | | قانون‌گرایی و عدم تبعیض در برخورد با فاسد |
| ۵ | اقتصادی | شفافیت‌گرایی |
| | | اصلاح نظام اداری و مالیاتی |
| | | تأمین نیازهای اقتصادی کارگزاران صالح |
| | | پرهیز از دادن امتیازات ویژه (رانت) |
| | | ممنوعیت هدیه و رشوه |
| | | مبارزه با انحصارگرایی و انحصارطلبی |

منابع

- سیدرضی، محمدبن حسین، ۱۴۱۴ق، نهج البلاغه، قم، مؤسسه نهج البلاغه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، بیروت، احیاء التراث العربی.
- تمیمی، عبدالواحدبن محمد، ۱۴۱۰ق، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق سیدمهدی رجایی، قم، چ دوم، دار الکتاب الاسلامی.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، تحقیق ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن منظور، محمدبن مکرّم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، دار الفکر.
- ابن عبدالبر، یوسفبن عبدالله، ۱۴۱۵ق، الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت، دار الجبل.
- مغربی، نعمان بن محمد، ۱۳۸۵، دعائم الإسلام، چ دوم، قم، مؤسسه آل البيتؑ.
- صفوت، احمد زکی، بی تا، جمهره رسائل العرب فی العصور العربیه الزاهره، بیروت، المکتبه العلمیه.
- حبیبی، نادر، ۱۳۷۵، فساد اداری، تهران، وثقی.
- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۹، «اصلاحات علوی»، کتاب نقد، ش ۱۶، ص ۳۵-۲.
- خدمتی، ابوطالب، ۱۳۸۴، «سیره حضرت علیؑ در مبارزه با فساد اداری»، روش شناسی علوم انسانی، ش ۴۵، ص ۴۳-۲۴.
- مؤمنی، فرشاد و دانش جعفری، داوود، ۱۳۸۰، «عملکرد جمهوری اسلامی از منظر فساد مالی»، مجموعه مصاحبه‌های فساد مالی در حاکمیت، تهران، مؤسسه فرهنگی خانه خرد.
- تانزی، ویتو، ۱۳۷۸، «مسئله فساد، فعالیت‌های دولتی و بازار آزاد»، ترجمه بهمن آقایی، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۱۴۹ و ۱۵۰، ص ۱۸۹-۱۷۸.
- صدر، علیرضا، ۱۳۸۵، «روش امام علیؑ در برقراری عدالت اقتصادی»، پژوهش‌های نهج البلاغه، شماره ۱۷ و ۱۸، ص ۱۲۴-۱۰۸.
- رئیس، ابراهیم، ۱۳۸۰، «نهادهای نظارتی و برخورد با فساد مالی در حاکمیت»، مجموعه مصاحبه‌های فساد مالی در حاکمیت، تهران، مؤسسه فرهنگی خانه خرد.
- حسینی، علی و شمس، عبدالحمید، ۱۳۹۱، «راه‌کارهای مبارزه با فساد اداری براساس ارزش‌های اسلامی»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ش ۵، ص ۱۰۴-۸۱.
- هادوی تهرانی، مهدی، ۱۳۸۰، «نظارت در نظام اقتصادی اسلام»، مجموعه مصاحبه‌های فساد مالی در حاکمیت، تهران، مؤسسه فرهنگی خانه خرد.